

واکاوی سیاست‌ها و تعاملات «سعودی- صهیونیستی» در قبال جمهوری اسلامی ایران در فضای پساتحریم

مهدی شاهین*

مظفر حسونند**

چکیده

فضای پس از توافق هسته‌ای منجر به شکل‌گیری نظمی نوین و دیدگاه‌های متنوع درباره هویت، قدرت و نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران شده که در پی آن سعودی‌ها و رژیم صهیونیستی بیش از دوران قبل از پساتحریم به تعامل، مقابله و صف‌آرایی امنیتی مقابل قدرت مضاعف ایران پرداختند. ما در این پژوهش با بهره‌گیری از نظریه سازه‌انگاری در راستای پاسخ به این سوال اصلی برمی‌آییم که فضای پساتحریم چه تاثیری را بر روابط سعودی- صهیونیستی در مقابل جمهوری اسلامی ایران بر جای گذاشته است. در پاسخ به سوال اصلی این فرضیه مطرح می‌شود که فضای پساتحریم، معادلات هویتی متخاصم و برساخته قدرت را بین جمهوری اسلامی ایران و عربستان و رژیم صهیونیستی بیش از گذشته شدت بخشیده است. براساس فرضیه مطروح، یافته‌های پژوهش عبارتند از اشتراکات و تعاملات صهیونیستی- سعودی در نگاه به ایران پس از توافق، تلاش برای برجسته نمودن و برساخته نمودن نقش خشونت محور انگاره‌های شیعی ایران در منطقه، بهم پیوستگی آموزه‌های سعودی با برساخته‌های گروه‌های تکفیری نظیر داعش، ائتلافهای ساختگی در برابر قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و حرکت واشنگتن در مسیر افراط‌گرایی سعودی و برساختگی فراوایت‌های مطرح است. روش تحقیق بکار رفته توصیفی- تحلیلی و روش گردآوری مطالب کتابخانه‌ای و اینترنتی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: توافق هسته‌ای، پساتحریم، رژیم صهیونیستی، ایران، عربستان، خاورمیانه.

* استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه لرستان. (نویسنده مسؤل) shahin@lu.ac.ir

** دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه شیراز و کارشناس مهمان مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه.

mozaffar.hasanvand@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۵/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۸/۱۲

۱. مقدمه

برنامه هسته‌ای ایران یکی از موضوعات محوری دهه اخیر است که حیات منطقه خاورمیانه را به اشکال مختلف تحت شعاع خویش قرار است. در دوران قبل از توافق هسته‌ای ماهیت روابط جمهوری اسلامی ایران و اغلب کشورهای خاورمیانه عمدتاً تقابل محور بوده و اغلب کشورهای عربی تحت تاثیر هویت‌های رهبران و نخبگان خویش با غرب همراه بوده و توان خویش را برای انزوا و تحریم ایران مصروف کردند. در این راهبرد غرب و جهان عرب به شکل دیالکتیکی برای مقابله با برساخته «ایران اتمی و سرکش» به همگرایی امنیتی، «جنگهای نیابتی» و جدالهای «ایدئولوژیکی» پرداختند. آنها با ارتباط دادن برنامه هسته‌ای به موضوعاتی نظیر حمایت ایران از گروه‌های شیعی (پراکسی) ایران نظیر حزب الله، سعی در انزوا و تحریم ایران داشتند. برخی از کنشگران نظیر عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی در طول مذاکرات هسته‌ای، به دنبال کسب امتیازات خاص از ایران نظیر رها کردن ایده «صدور انقلاب»، دست کشیدن از دولت اسد و مشروعیت تل آویو در مقابل توافق بودند. اما شرایط به نحوی دیگر تغییر یافت و به شکل صریحی باید گفت که ایران و غرب - جدا از عواملی نظیر پذیرش ضمنی قدرت منطقه‌ای ایران و کاهش نسبی قدرت جهانی واشنگتن - به هم نیاز داشتند و در این روند برساخته‌های تقابلی خویش تا حدی تقلیل دادند. با شکل‌گیری توافق هسته‌ای، معادلات منطقه‌ای حتی نسبت به قبل از توافق پیچیده‌تر و چند وجهی‌تر شد، چرا که دستاوردهای مثبت ایران به منزله تعاملات سازنده با برخی کنشگران خاورمیانه نبود. در حقیقت به بیان مارک لینچ (Marc Lynch) «پس از اعدام شیخ نمر، اختلافات فرقه‌ای در منطقه‌ی جنوب غرب آسیا در حال تشدید است. به سفارت عربستان در ایران حمله شده و عربستان نیز روابط خود را با این کشور قطع کرده است. عربستان و ایران سالهای زیادی است که در منطقه درگیر جنگهای نیابتی هستند. روند صلح سوریه از خط خود خارج شده و جنگ یمن نیز در وضعیت نابسامان و مخرب قرار دارد. ائتلاف در برابر داعش هر روز دشوارتر می‌شود و کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز مدتی است که تمرکز خود را روی یمن گذاشته‌اند. ایالات متحده هم قصد ندارد تا روند اجرای توافق هسته‌ای مذاکره شده با جمهوری اسلامی ایران را رها کند» (Lynch, 4 January 2016). از طرفی با توجه به پیچیده شدن اوضاع منطقه [خاورمیانه] و ظهور داعش در لبنان و سوریه و عراق و یمن و حتی صحرای سینا، آمریکا نمیتواند به صورت دقیق دوست را از دشمن تشخیص دهد. این موضوع

بدان معناست که از این پس در منطقه علاوه بر دوگانگی سکولار و مذهبی، سنی و شیعی و جمهوری‌تی و پادشاهی، شاهد ظهور یک دوگانگی جدید هستیم؛ دوگانگی بین بازیگران ماهر شطرنج مثل ایران و متحدانش و یک نیروی آموزش دیده حیوان صفت مثل داعش (Levite & Shai, 21 July, 2015). خروج دولت ترامپ از توافق هسته‌ای، همگرایی‌های امنیتی آمریکا و متحدان منطقه‌اش مانند عربستان و رژیم صهیونیستی بر علیه ایران را شدت بخشید و آنها تمام تلاش خود را به کار بردند تا فضای منطقه‌ای و بین‌المللی مساله هسته‌ای ایران را به دوران بحرانی قبل از توافق سوق دهند.

این پژوهش به دنبال بررسی تعاملات و روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی در فضای پسا تحریم (دوران توافق هسته‌ای و خروج یکجانبه آمریکا از برجام) در محدوده زمانی (۲۰۱۳ - ۲۰۱۸) می‌باشد. ضرورت و اهداف پژوهش در مقاله اخیر در چند سطح قابل بیان است و عبارتند از قلت منابع و ادبیات داخلی، تاریخی و توصیفی بودن آنها، توجه به معادلات سیاسی تا قبل از برجام، نگاه تعصب‌مدارانه جستارهای پژوهشی خارجی، نیاز به پژوهش در این حوزه به علت واکاوی الگوهای کنشگران متخاصم جمهوری اسلامی ایران و لزوم توجه به روابط پنهان و آشکار آنان در برابر ایران و در نهایت پرداختن به روابط و تعاملات میان رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی به شکل پیوندی به جای مطالعه موردی صرف.

۲. پیشینه پژوهش

احمد پاشا (Ahmed. K. Pasha) (۲۰۱۶) معتقد است که امضای توافق‌نامه جامع اقدام مشترک، بیانگر سیاست جدیدی است که یکی از نشانه‌های آن، کاهش نقش ژئوپلیتیکی آمریکا در منطقه است و به نظر می‌رسد، آمریکا خواستار پایان دادن به تنش خود پس از چند دهه با ایران شده است. این موضوع سبب شده است که شرکای منطقه‌ای آمریکا؛ یعنی اسرائیل و عربستان، خود را معرض تهدید ببینند و بر همین اساس، اسرائیل از « گزینه نظامی » حمایت کند و عربستان، علیرغم وابستگی امنیتی به آمریکا، رویکردی برخلاف آن [حداقل در برابر برنامه جامع اقدام مشترک] را برگزیند و با اضطراب به نفوذ رو به افزایش ایران بنگرد و به سیاست مداخله‌گرایانه در بسیاری از کشورهای خلیج [فارس] و عربی بپردازد. بلانچارد کریستوفر (Blanchard Christopher) (۲۰۱۷) با بیان نقش آمریکا به عنوان شریک استراتژیک عربستان، اهمیت فروش تسلیحات در دهه‌های اخیر و همکاری‌های اطلاعاتی و امنیتی به ویژه

در مقابله با افراط‌گرایی - علی‌رغم نگرانی‌ها درباره حقوق بشر و آزادی مذهبی - به بررسی رقابت عربستان و تهدیدات ناشی از ایران بالاخص در زمینه هسته‌ای در دوره ملک سلمان پرداخته است. بنفشه کی‌نوش (۲۰۱۶) در کتاب «عربستان سعودی و ایران: دوستان یا دشمنان؟» به بررسی و چگونگی روابط ایران و عربستان با نگاهی تاریخی از گذشته تا اکنون به ویژه پس از ۱۱ سپتامبر پرداخته است و بر همین مبنا، جنگ‌ها و رقابت‌های بین این دو در سطح منطقه‌ای و ژئوپلیتیک خلیج فارس، لبنان، فلسطین و سوریه را تحلیل نموده است. مایکل هرزوغ (Michael Herzog) (۲۰۱۵) اعتقاد دارد که توافق هسته‌ای از منظر اسرائیل یک «اشتباه بزرگ» بوده و به علت تفاوت در ادراک تهدیدات و ارزیابی تحولات منطقه‌ای، منجر به اختلافاتی عمیق بین آنها و آمریکا شده است. کریستین کوتز اولریکسن (Kristian Coates Ulrichsen) (۲۰۱۶) اعتقاد دارد که پس از توافق هسته‌ای و اعتراضات جهان عرب در سال ۲۰۱۱، به علت نوعی منافع و ارزش‌های مشترک، ما شاهد روابط و همکاری‌های ملموس بین اسرائیل و کشورهای حاشیه خلیج فارس هستیم. نویسنده این فرض را بررسی کرده که، آیا در آینده نگرانی‌های امنیتی متقابل در مقابل ایران، ارتباطات میان این کنشگران را گسترش می‌دهد یا نه.

فرزاد رستمی و علیرضا تارا (۱۳۹۷) در مقاله‌ای به تحلیل روابط عربستان سعودی و اسرائیل در سایه توافق هسته‌ای ایران پرداخته و معتقدند که توافق زمینه‌ساز تقویت مناسبات و تعاملات سیاسی-امنیتی بین آنها شده است. برخی از مطالعات در این حوزه عموماً رویکردها و سیاست‌های پس‌ابرجام را مورد ارزیابی قرار نمی‌دهند و عمدتاً به روابط و رقابت‌های آنها در سطوح مختلف تا قبل از توافق هسته‌ای می‌پردازند. مهم‌ترین آنها عبارتند از: فیصل بن سلمان آل سعود (۲۰۰۳) بررسی سیاست قدرت در خلیج فارس میان ایران و عربستان در طی سالهای ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۱، حمید احمدی^۱ (۱۳۸۶)، بهرام اخوان کاظمی^۲ (۱۳۷۳) و (۱۳۷۹)، کریم سلیمانی^۳ (۱۳۸۸)، رقیه عظیمی^۴ (۱۳۷۵)، سید داود آقایی و حسن احمدیان^۵ (۱۳۸۹)، کیهان برزگر و مهدی قاسمی^۶ (۱۳۹۲)، سید حسین موسوی^۷ (۱۳۸۰)، امامزاده فرد^۸ (۱۳۹۰) و غیره.

نوآوری و اهمیت پژوهش اخیر در قیاس با آثار مطروح در چند سطح قابل بیان است. نخست، اغلب ادبیات پژوهشی - به ویژه ادبیات داخلی - محدوده زمانی قبل از توافق هسته‌ای را مدنظر داشته‌اند. دوم، ادبیات خارجی عمدتاً دارای ماهیتی ایدئولوژیک و جانبدارانه است. سوم، علی‌رغم قلت منابع در این زمینه، حتی در تحلیل‌های ژورنالیستی نیز ما شاهد تحلیل براساس روابط اسرائیل و عربستان درمقابل ایران نیستیم و اغلب

آنها به بررسی رویکرد یکی از کنشگران پرداخته و عمده‌ی تعاملات بین این دو را به شکلی گذرا مطرح کرده‌اند. چهارم، پژوهش اخیر نگاهی سیستمی و چند سطحی داشته و با بهره‌گیری از معتبرترین و به روزترین منابع در این حوزه تلاش داشته تا نگاهی جامع و کامل به موضوع داشته باشد.

۳. چهارچوب نظری

سازهانگاری از نظریه‌های متأخر مطالعات سیاسی می‌باشد که از دهه ۱۹۸۰ به بعد توانست با زیر سوال بردن مفروضات نظریه نواقح‌گرایی و طرح مباحث نوین خود را مطرح کند. مهم‌ترین انتقادات سازهانگاران بر نظریات پوزیتیویستی و در ذیل آن نواقح‌گرایی عبارت بودند: از عدم توجه به ساخت اجتماعی سیاست بین‌الملل، قرار گرفتن زیر چتر حمایت قدرتهای بزرگ و عدم تشریح و توضیح دهندگی کنشگران تجدید نظرطلب، بهره‌گیری‌های بی‌امان از رهنمون‌های سلبی و ایجابی لاکاتوش، تحریف واقعیت به نفع نظریه، جدایی و منفک کردن عین از ذهن، نفی ارزش‌ها، هنجارها و به ویژه هویت و عدم پیش‌بینی تحولات شکل گرفته جهانی مانند فروپاشی نظام دو قطبی و جنگ سرد.

سازهانگاری نظریه‌ای یکدست و منسجم نیست و با رویکردهای متعددی از میراث وبر (Weber) گرفته تا زیمل (Simmel)، گیدنز (Giddens) و گادامر (Gadamer) در ارتباط است. نظریه مزبور دارای آبشخورهای فکری مختلفی است و نمی‌توان رگه‌های آن را در یک جریان قرار داد. آنچه بیش از هر چیز به سازهانگاری در مطالعات و روابط بین‌الملل شهرت یافت، ماحصل تلاشهای ونت (Wendt)، کاتزنشتاین، اونف و دیگران می‌باشد. بین هر کدام از رهبران فکری این نظریه اختلافاتی وجود دارد و همین منجر به تشتت آرای نظری در این نحله نظری شده است. ونت بیش از همه به واقع‌گراها و برخی دیگر به انتقادیون و پسااختارگراها نزدیک هستند. به هر سو، آنها معتقدند که آنچه از سوی نظریه‌ابزارگرایی اثبات‌گرا به عنوان حقیقت شناخته می‌شود، چیزی جز «برساخته کردن» نیست و در اینجا به جای آنکه واقعیت یا حقیقت، کشف شود، به نفع عده‌ای ساخته می‌شود.

برخی معتقدند که نظریه سازهانگاری با آنکه نوید پاسخ‌های قانع‌کننده‌تر و بهتر را داده بود، عملاً نتوانست پس از تحولات ۱۱ سپتامبر به تشریح و حل معما بپردازد. آنها نتوانستند بنا بر چشم‌انداز و تصویری که درباره آنها انتظار می‌رفت، اقدام کنند و بتوانند تحولاتی نظیر تغییر سیستم بین‌الملل، تغییر ماهیت مفاهیمی مانند تروریسم را به خوبی

تبیین کنند. البته برخی از این انتقاد ناشی از سیل سریع تحولات و شکل‌گیری موضوعاتی است که نسبت به گذشته یا متحول شده یا با تغییر پارادایمی مواجه شده‌اند. سازه‌انگاران بر نقش ایده‌ها و هویت‌ها برای تعیین منافع هدفمند بازیگران تأکید کرده و ادعا داشته که با هنجارهای به اشتراک گذاشته شده داخلی و خارجی، تصمیمات دولتها شکل می‌گیرد. با این حال تأکید بیش از حد سازه‌انگاران بر نقش هنجارها موجب نادیده گرفتن این واقعیت می‌شود که دولتها اغلب هنجارها را برای رسیدن به اهدافشان که همان دستیابی به قدرت است به کار می‌گیرند. (Hunter, 2010:xiv). از منظر سازه-انگاران، آنچه تعیین‌کننده سیاست کنشگران است، هویت و ارزش‌هایی است که کنشگر براساس آن به ایفای نقش می‌پردازد. ویژگی‌های تاریخی ملت‌ها و حافظه تاریخی آنها نقش بسیاری در شکل‌گیری سیاست خارجی دارد و لذا سیاست همواره دنباله‌روی منافع نیست و هویت‌ها گاه بر منافع غالبند و منافع همیشه ثابت نیستند و هویت‌ها آنها را مشخص می‌کنند. برای نمونه، هویت بازیگرانی مانند اسرائیل، در تقابل با هویت ایرانی - اسلامی قرار دارد؛ چرا که هویت انقلاب اسلامی تماماً اسرائیل را رژیم غاصبی دانسته که به « ناحق » ارض مقدس را با کشتار مردم مظلوم فلسطین، اشغال نموده و حیثیت مسلمین را خدشه‌دار کرده است. بنابراین، سیاست خارجی این دو، با داشتن زمینه‌ها و بسترهای هویتی متضاد در تقابل با هم خواهد بود. هویت کنشگران برای آنها معنا می‌سازد و حتی به آنها نقش می‌سپارد و کنشگر خود را براساس آن می-شناسد و می‌پذیرد. سیاست خارجی حاصل بازتاب بیرونی سیستم بین‌الملل نیست و ارزش‌ها و باورهای ذهنی بر آن تأثیر می‌گذارند.

۳-۱. کاربست نظری و مدل تحلیلی پژوهش

مروری بر بحران‌های جهانی و منطقه‌ای نشان می‌دهد که بسیاری از درگیرهای نوین جنبه هویتی و ارزشی دارد که ارتباط پویایی با « ناسیونالیسم »، « مذهب » و « قومیت » پیدا می‌کند. نگاهی به بحران‌های بالکان، تجزیه طلبان اسپانیا و کانادا تا بحران عراق، سوریه و غیره نشان می‌دهد که هویت به مرور جایگاه محکمی در کنار مفاهیم قدرت و اقتدار در روابط بین‌الملل و مطالعات سیاسی یافته است و هم در سطوح تحلیل باید مورد توجه مضاعف قرار بگیرد. ابراهیم سعدالدین در مقاله « درگیرهای قومی - نژادی و دولت سازی در دنیای عرب » بیان می‌دارد که « مسئله هویت در دنیای عرب یکی از چالش برانگیزترین شکاف‌های اجتماعی سیاست است. این مسئله با مفاهیم فرهنگی، وجودی و نمادین (سملیک) در ابعاد جمعی و فردی گره خورده است. ». (Saad Eddin, 1998: 234). تحولات خاورمیانه نوین نشان می‌دهد که نمی‌توان موردی را

یافت که به نحوی با مقوله «هویت» در ارتباط نباشد. با بررسی تحولات حزب عدالت و توسعه و نحوه کنش آن در قبال کردها، همکاری اطلاعاتی و امنیتی عربستان و رژیم صهیونیستی، ارتباط افراط‌گرایان با دستگاه‌های امنیتی سعودی و صهیونیستی، افول اخوان‌المسلمین در مصر و بهار عربی در تمام کشورهایی که شاهد آن بودیم، همگی با هویت در تداخلند. هویت در میان کشورهایی که مذهب دارای نقشی تعیین‌کننده است، جایگاه تحلیلی بیشتری دارد مانند ایران و عربستان سعودی. بر اساس مباحث فوق و با بهره‌گیری از آنها مدل تحلیلی پژوهش را بر مبنای نظریه سازه‌نگاری در شکل (۱) مشاهده می‌کنیم.



شکل (۱) : مدل تحلیلی پژوهش بر مبنای نظریه سازه‌نگاری

۴. بررسی و یافته‌ها

در ابتدا به بیان کلیاتی در باب زمینه‌های هویتی تعارض‌زای ایران و عربستان به عنوان مبنایی برای درک کنش‌های آنها و نسبت هر یک را با افراط‌گرایی خواهیم آورد و در ادامه فرضیه اصلی پژوهش را مورد تحلیل قرار می‌دهیم.

۴-۱. وهابیت و تشیع؛ نسبت با افراط‌گرایی

محمد صالح^۹ در مورد منطقه عربی چند نکته مهم را مطرح نموده است که عبارتند از: وجود بنیانهای دینی و فرهنگی در ملت‌های عربی که تأثیر بسزایی در رفتار این ملت‌ها داشته است، وجود احساس قوی و عمیق نسبت به عزت و کرامت در بین مردم منطقه عربی، وجود احساس ضعف و عقب ماندگی در بین مردم منطقه به دلیل سابقه استعماری کشورهای غربی و وجود نظام‌های فاسد و مستبد در این کشورها که راه حل آن را ایجاد پیمان با قدرتهای خارجی میدانند درحالی که بیشتر این قدرتها از مشروعیت و مقبولیت حقیقی برخوردار نیستند. (<http://studies.aljazeera.net/reports/2015/>)^{۱۰}.

تقابل قومی ژئوپلیتیکی ایران و عربستان مساله تازه‌ای نیست و ریشه در دوره‌های پیش از اسلام دارد. (سایکل، ۱۳۹۷: ۲۲۹). از منظر سازه‌نگارانه، زمینه تنش در روابط ایران و اعراب در تفاوت‌های قومی و مذهبی است و ریشه آن در عوامل متعددی است که عبارتند از نخست آنکه، با وجود اسلامی بودن ایران و یک دوره طولانی حکومت عرب، ایران دارای فرهنگ یا زبانی عربی نیست.^{۱۱} دوم آنکه، ایرانیان نقش فوق‌العاده‌ای در توسعه تمدن اسلامی داشتند و اعراب سیستم‌های سیاسی و اداری و نیز میراث علمی و فلسفی را به سرعت از ایران قبل از اسلام قرض گرفتند. این نقش، اگرچه تا حد زیادی توسط اعراب به رسمیت شناخته شده است، با این حال باعث احساس تنفر بین دو ملت و منجر به یک رقابت طولانی مدت فرهنگی میان آن دو شد. و در آخر، پس از اینکه تقریباً ایران در قرن شانزدهم کاملاً شیعه شد، تفاوت‌های فرقه‌ای منبع دیگری برای تنش در روابط ایران و اعراب شد. این امر، به ویژه پس از انقلاب اسلامی و از آن مهمتر دوران حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و سقوط دولت سنی تحت سلطه صدام حسین، شدت گرفت. در ادامه تلاش ایران برای به تصویر کشیدن انقلاب اسلامی به عنوان جنبشی بین فرقه‌ای، باعث شد که کشورهای عربی بر شخصیت خود به عنوان اعراب سنی و عدم رابطه با ایران شیعی تأکید کنند. (hunter, 2010: 186).

دولت اسلامی وابسته به یکی از مکاتب فکری تند و افراطی است که قرائت متعصبانه- ای از متون دینی دارند. داعش ادعا دارد که حملاتش مطابق با سیره محمد (ص) است (McCants, 18 November 2015).. درباره رابطه هویت سنی و افراط‌گرایانی نظیر داعش باید گفت که، هویت سنی داعش یکی از عوامل قدرت این گروه است و اگر این عامل به درستی مورد بهره برداری قرار نگیرد منجر به تضعیف این گروه خواهد شد. آنها داعش را بهترین راه برای برگشت به حکومت می‌دانند. داعش در چند سال اخیر توانسته است که فقط «مناطق سنی نشین» را تصرف و کنترل کند؛ اما نتوانسته است در «مناطق شیعه نشین» عراق و یا «علوی نشین» سوریه پیشرفت کند و زمانی که تلاش می‌کند مناطق شیعه نشین، کردنشین و یا ایزدی را تصرف کند، به عقب رانده میشوند و همچنین شهرهای موصل، رمادی و شهرهای دیگر عراق را با قدرت در اختیار دارد؛ این شهرها عمدتاً سنی نشین هستند و حکومت داعش را بهتر از تسلط نظامیان شیعه و علوی می‌دانند. (Boot, 22 November 2015)

افراهیم عنبار معتقد است: «داعش را مزدور کمکهای مالی کشورهای حوزه خلیج فارس و ترکیه شکل داده‌اند، داعش از جانب خود هیچ توانایی ندارد و بدون کمکهای خارجی کاری از پیش نخواهد برد. بخش زیادی از بزرگ‌نمایی تهدید داعش، از سوی دولت اوپاما بوده است و با این کار خواسته است تا ایران را به عنوان دولتی توانمند برای مقابله با این گروه تروریستی معرفی کند تا مقابله ایران با داعش را توجیهی برای توافق هسته‌ای با این کشور معرفی کند. (عنبار، ۱۰/۰۸/۱۳۹۴).

آل سعود فاقد پایگاه عمیق قبیله‌ای بوده و توانست از طریق ائتلاف با شورای علمای مذهبی وهابیت، مشروعیت لازم را کسب کند و تا زمانی که حمایت و پشتیبانی کارشناسان مذهبی مذکور را داشته باشند به نوعی مشروعیت نیز دست یافته‌اند. (البدواوی، مکدیسسی، ۱۳۹۶: ۲۱۹). وهابیت، رهبری سعودی را قادر ساخته تا حضورش را در منطقه افزایش دهد و نوید رستگاری نه فقط در این دنیا بلکه در دنیای آخرت می‌دهد. از این منظر، پذیرش آموزه‌های اسلام وهابی، به معنای رهایی از تجاوزات وهابی و پاداش‌های تصاعدی نوید داده شده است. (Al-Rashid, 2002: 19). به بیان فریدمن (Friedman) وهابیت نوعی تفکر ویرانگر و مهاجم در اکوسیستم بزرگ اسلام است؛ عواقب آنهم مهم بوده است. خطی بر کشتار داعش در عراق و حادثه ۱۱ سپتامبر بکشید. خواهید دید که تمام این حوادث ریشه در مساجد و سازمانهای مردم نهاد تندروی عربستان دارد. آمریکایی‌ها به دلیل اینکه به نفت سعودیها اعتماد پیدا

کردند، آنها رامورد بازخواست قرار نمیدهند؛ زیرا معتادان هرگز به فروشندگان مواد مخدر راست نمی‌گویند. (Benjamin, 10 September, 2015).

۴-۲. قدرت شیعی و بسترهای اتحاد علیه جمهوری اسلامی ایران

چرایی سیاست انتقادی عربستان سعودی در برابر جمهوری اسلامی ایران که منجر به یارگیری‌های منطقه‌ای شده است، عمدتاً همان علقه‌ها و باورهای تسنی سعودی است. عبارت دیگر نگرانی اصلی عربستان سعودی نفوذ رو به رشد شیعه است، که از سال ۲۰۰۳ با شروع جنگ عراق آغاز شده و با موج قیامهای بهار عربی شدت گرفته است؛ همین روند رو به رشد موجب شد که ایران در معرض اتهام گسترش دخالت‌های خود از شامات به منطقه خلیج [فارس] قرار گیرد. این بُعد فرقه‌گرایانه آنچه را که یک رقابت استراتژیک رو به رشد میان تهران و ریاض انگاشته میشد را تشدید کرد، بطوریکه آن را به درگیری‌های نیابتی خطرناک در منطقه مبدل ساخته است. (Kaye & Martini 20 July., 2015). طیف متخاصم بر علیه جمهوری اسلامی ایران معتقدند که ایران همچنان خطرناک‌ترین تهدید بوده و هدف اصلی آن، کماکان، جلوگیری از نفوذ ایران در خاورمیانه بالاخص لبنان و سوریه است.

از منظر برخی کشورهای عربی ظهور داعش به مراتب کم‌خطرتر از دو جایگزین دیگر یعنی روی کار آمدن حکومت‌های دست‌نشانده جمهوری اسلامی ایران و یا قدرت یافتن شاخه‌ای از اخوان المسلمین و یا سایر گروه‌های جهادی است. لذا حکومت‌های عمل-گرای سنی ترجیح می‌دهند تا با کمک نظامی و اقتصادی به حکومت‌های جهادی و اخوان المسلمین این جبهه را علیه دولت بشار اسد تقویت کنند. (Udi, 30 September, 2015). در حقیقت، تصویری که از انقلاب و بیداری اسلامی توسط سعودی‌ها و برخی همراهان آن نمایش داده می‌شود عموماً در جهت حمایت از نخبگانی است که مشروعیتی نداشته‌اند. بعنوان نمونه در مورد یمن می‌توان گفت که حوثی‌ها بیشتر از یک دهه است که علیه هژمونی عربستان در یمن جنگیده‌اند و شکست آنها در یمن در بهترین حالت تنها یک ضربه کوچک و حاشیه‌ای به قدرت منطقه‌ای ایران است؛ درحالی‌که شکست عربستان برای این کشور میلیارد‌ها دلار هزینه طی سالهای آینده در پی خواهد داشت (Riedel, 1 September, 2015).

ادامه تنش‌زایی میان این دو کشور تأثیرات ذیل را بر منطقه خواهد داشت. نخست، موجب قطبی شدن بیشتر کشورهای منطقه خواهد شد و کار را برای دیپلماسی

کشورهای غربی سخت میکند و گزینه‌های حفظ توازن محدود میشود. دوم، اگر قیام اقلیت شیعه در منطقه نفت خیز شرق عربستان خشونت آمیز شود و آنها مورد حمایت ایران قرار بگیرند، عربستان نیز به تلافی، اهل تسنن ایران، مستقر در نزدیکی مرزهای پاکستان را تحریک خواهد کرد. ایران و عربستان تاکنون از چنین اقدامات مستقیمی خودداری کرده و جنگ نیابتی را ترجیح داده‌اند و در آخر آنکه ممکن است ایران و عربستان در نتیجه این تنشها با مطرح کردن خواسته‌های حداکثری که عملاً مانع رسیدن به توافق میشود، مذاکرات سوریه را بر هم بزنند. (Geranmayeh 5 January, 2016).

۴-۳. توافق ژنو و تهدید پنداری سعودی

سعودی‌ها معتقدند که رفع تحریمها به این معنی است که کمکهایی که حوثی‌ها از ایران دریافت می‌کنند محدود نخواهد شد. جهش اقتصادی پساتحریمی، تلاشهای پیوسته ایران برای دستیابی به سلاحهای کلاسیک مانند موشکهای بالستیک را تقویت خواهد کرد. هر چند توافق هسته‌ای تحریمهای مربوط به فروش اسلحه به ایران را ابقا میکند، اما در این مسئله واضح و شفاف نیست. در هر صورت توافق به ایران اجازه خرید و فروش اسلحه سبک و کوچک را میدهد. شاید مهمترین اثر این توافق، این است که موضع ایران مبنی بر اینکه تهران یک قدرت در حال صعود و آمریکا قدرت در حال افول است را تقویت می‌کند. در نتیجه با درآمدهای پیش بینی نشده پس از توافق هسته‌ای، ایران موضع خود را از طریق کمک بیشتر به هم پیمانان منطقه ای خود [سوریه، عراق، لبنان و فلسطین و به شکل تعدیل شده ای یمن]، تقویت خواهد کرد. (<http://www.washingtoninstitute.org>).

سیاست خارجی سعودی‌ها را باید بر این اساس تفسیر کرد که، آنها توافق هسته‌ای را پشت کردن آمریکا به عربستان و حرکت به سمت دوستی با ایران میدانند. در نگاه سعودیها وقتی آمریکا نمیتواند منطقه را کنترل کند یک نفر دیگر باید نخ کلاف را در دست بگیرد و این کسی نیست جز عربستان سعودی و آنها دیگر نمیتوانند برای حل مشکلات منطقه به طور سنتی روی آمریکا حساب باز کنند. (Pollack, 2016). عربستان از موفقیت بالقوه ایران در رسیدن به توافق هسته‌ای با ایالات متحده میترسد؛ چر که عربستان شاهد برقراری مجدد روابط ایران با جامعه‌ی جهانی است و لذا ارتباط ایران با واشنگتن را خطری عمیق برای موقعیت منطقه‌ای خود میداند و تلاش خواهد کرد از طریق فرقه‌گرایانه و ضد شیعیان به مهار ایران و انزوای ایران اقدام کند تا با منحرف

کردن اذهان مخاطبان داخلی و منطقه‌ای، خود از شکست‌های آشکار خود در سیاست خارجی نجات دهد. (Lynch, 4 January 2016).

نگاه سعودی‌ها به توافق هسته‌ای عمدتاً بین نوعی دلسردی تعدیل شده با واشنگتن و تنفر شدید نسبت به قدرت ایران نهفته است. دنین رابرت بیان می‌دارد که سعودی‌ها معتقدند: «تلاش‌های دیپلماتیک آمریکا توانست در برنامه هسته‌ای ایران توقف ایجاد کند؛ ولی موجب افزایش این ترس در دولتهای عرب سنی شد که حامیان غربی آنها در حال حرکت به سمت آشتی بیشتر با ایران هستند. همین قضیه موجب دشمنی اخیر عربستان با ایران شده است. گامهای آمریکا در بیطرف نشان دادن خود در قضیه ایران و عربستان ممکن است موجب نافرمانی بیشتر اعراب شود. تلاش آمریکا برای کم کردن از شدت تحریمهای اخیر علیه ایران، موجب سردرگمی بیش از پیش تحلیلگران در مورد برنامه آینده آمریکا شده است.» (Danin, 6 January 2016).

با هسته‌ای شدن ایران، عربستان به دنبال تقویت لابی چهار ضلعی نفتی-عربی-غربی و صهیونیستی خود است تا با تحت فشار قرار دادن ایران از قدرت‌افزایی ایران جلوگیری کند. (<http://asreilam.ir>). لذا، توافق هسته‌ای، عربستان سعودی را در شرایط دشواری قرار داده است. این کشور از سویی از آن روی که این توافق به نقش آفرینی بیشتر ایران در منطقه منجر می‌شود، نمی‌خواهد این توافق را تأیید کند؛ از سویی دیگر نمی‌خواهد با نپذیرفتن علنی آن، در صف اسرائیل و در برابر کشورهای ۱+۵ قرار بگیرد. از سویی شماری از کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس چون عمان نیز به این توافق واکنش مثبت نشان داده‌اند. بهمین دلیل سعودی‌ها در برابر توافق هسته‌ای ایران به ائتلاف‌سازی‌های منطقه‌ای بر علیه تهران روی آورده‌اند. (الدجانی الداودی (۲۴) یولیه ۲۰۱۵).

بنابراین، از منظر سعودی‌ها، این توافق در عمل دارای معایب فراوان است، چرا که ایران بالفعل یک قدرت هسته‌ای باقی می‌ماند؛ با زیرساختهای هسته‌ای دست نخورده؛ و هنگامیکه قرارداد منقضی شود میتواند سلاح هسته‌ای بسازد. با این حال به جای آنکه توافق همیشگی باشد؛ توافقنامه حدود ۱۰ یا ۱۵ سال دیگر منقضی میشود و ایران در منطقه دست به اقدامات مخرب می‌زند و با آزاد کردن سرمایه‌ی بلوکه شده، گسترش این دست اقدامات ناگزیر خواهد بود. علاوه بر این، توافقنامه طولانی مدت و دشوار است و دارای ابهامات متعددی است که ایران می‌تواند از آنها برای حفظ پیشرفتهای خود به سمت قابلیت‌های هسته‌ای استفاده نماید. (Freilich 21 July 2015). این در شرایطی است که آمریکایی‌ها و اسرائیلی وجود بمب‌های هسته‌ای [ایران] را تأیید نکرده‌اند، در

حالیکه اسرائیل این بمب‌ها را داراست و آن را به عنوان عاملی بازدارنده در مقابل ایران استفاده می‌کند (Shapiro 29 July 2015).

۴-۴. تعاملات سعودی - صهیونیستی پس از توافق هسته‌ای

سعودی‌ها در همراهی با رژیم صهیونیستی معتقدند که توافق و فضای پس از آن رفتار و تفکر کنشگران ایران را تغییر نخواهد داد و ما همچنان باید شاهد حمایت ایران از جریان‌ات اسلامی در خاورمیانه باشیم. به عبارت دیگر، توافق ایران را دگرگون نخواهد کرد و رهبر ایران و سپاه پاسداران همچنان قدرت را در دست خواهند داشت و اجازه تغییراتی که به سود روابط ایران و آمریکا باشند را نخواهند داد. هرچند رئیس‌جمهور روحانی به اندازه کافی برای امضای توافق هسته‌ای عملگرا بود اما به اندازه کافی نیز محتاط است که حاکمیت خود را با یک حرکت تجدیدنظر طلبانه از بین نبرد. (Nader 15 July 2015). در همین ارتباط، سیاست اسرائیل و عربستان در سوریه با هم منطبق است، هردوی آنها خواستار خروج نیروهای سپاه پاسداران از سوریه هستند. از خوش‌شانسی‌های اسرائیل این است که برخلاف مذاکرات هسته‌ای اکنون سعودیها حاضرند با اسرائیل بر سر موضوع سوریه مذاکره کنند. (Javedanfarr, December 2015). گلوبال ریسرچ در این مورد بیان می‌دارد که، در روند توافق ایران ما شاهد اتحاد نامقدس اسرائیل و عربستان هستیم. در فوریه سال ۲۰۱۵، عربستان سعودی بنا به گزارش‌ها موافقت کرد که به اسرائیل اجازه استفاده از حریم هوایی خود را برای حمله به ایران در ازای « نوعی از پیشرفت » در مسئله فلسطین را خواهد داد. (حسنوند، خرداد ۱۳۹۴). همچنین، انور العشقی یکی از مقامات ارشد سابق عربستانی نیز در ۲۲ ژوئیه ۲۰۱۶ در صدر هیأتی دانشگاهی و تجاری به اسرائیل سفر کرد و با دوری گلد مدیر کل وقت وزارت امور خارجه اسرائیل دیدار کرد. البته از آنجایی که دو کشور عربستان و اسرائیل هیچ رابطه دیپلماتیکی با هم ندارند، مردم عربستان به شدت از این اقدام انتقاد کرده‌اند و فعالان سعودی با به راه‌اندازی کمپینی در شبکه‌های اجتماعی مخالفت خود را با عادی‌سازی روابط با اسرائیل بیان کردند. (رستمی، تارا، ۱۳۹۷: ۱۳۳).

۴-۴-۱. دولت ترامپ؛ تداوم همراهی با محور سعودی

آمریکاییها میان « مسلمانان » و « دین اسلام » تمایز می‌گذارند؛ آنها [دین] اسلام را بدتر از اعمال و رفتار مسلمین می‌دانند. علت اصلی این امر هم شاید آن باشد که برای بیشتر آمریکایی ابراز نفرت نسبت به دین اسلام راحت از ابراز آن در برابر مسلمانان باشد. حتی دونالد ترامپ سخنان ضد اسلامی خود را با جمله « من مسلمانان را

دوست دارم» آغاز میکند. این نگرش نسبت به اسلام بعد از ۱۱ سپتامبر وخیم‌تر شد و در آخرین نظرسنجی در سال ۲۰۱۵، ۶۱ درصد آمریکایی از اسلام متنفر بودند، ولی نگرش آنها نسبت به مسلمانان بهتر شده بود و ۵۳ درصد آنها نگرش خوبی نسبت به مسلمین داشتند. (Telhami, 9 December 2015). با حصول توافق هسته‌ای بسیاری تصور می‌کردند که با این توافق، استراتژی ایالات متحده در منطقه دچار تحول عظیمی می‌شود، اما برجام توانست یکی از چالش‌های پیش روی ایران و ایالات متحده را [برای مدتی] حل کند و مسائل مختلف هنوز به قوت خود باقی است. بعنوان نمونه در بحران سوریه مساله اصلی خود بشار اسد رئیس جمهور کنونی نیست، بلکه، نفوذ با برخورد با ایران در منطقه در راستای دستیابی به هدف نهایی؛ یعنی حفظ امنیت اسرائیل است. همه هدف‌ها، اقدامات و تاکتیک‌های ایالات متحده در منطقه به نوعی به حفظ امنیت این رژیم ختم می‌شود و یکی از دلایلی که غربی‌ها به خصوص ایالات متحده مخالفتی با سیاست و اقدامات کشورهای سلفی مانند عربستان ندارند، این است که آنها مخالفتی با رژیم اسرائیل ندارند و اقدامی علیه سیاست‌های این رژیم انجام نمی‌دهند. (هانتر، ۱۳۹۴: ۳۳).

دولت ترامپ، انحراف از نگرش‌های محتاطانه اوباما و با انگیزه ریسک‌پذیری است که موجب تشدید اختلاف بین متحدان عرب واشنگتن شد. بمب‌گذاری‌ها، حضور نیروها در یمن، درگیری در سومالی و دیگر نقاط، حمله موشکی آمریکا به پایگاه هوایی سوریه و اقدامات نظامی خاص در افغانستان، نمونه‌ای از آن است. (Ibish, 2017: 7). همچنین، پرس تی‌وی در گزارشی در اکتبر ۲۰۱۸، عنوان کرد که «سران نظامی سعودی – اسرائیلی درواشنگتن ملاقات خواهند کرد». (www.presstv.com/Detail/2018/10/17)، بر پایه این روابط، ترامپ به دنبال ایجاد ناتوی عربی برای مقابله با ایران است، (www.bbc.com/44988911) که قبل از وی نیز عملی نشد.

با به قدرت رسیدن ترامپ، عربستان سعودی امیدوار است تا دو کشور بر اساس منافع واقعی و رویکردهای عملگرایانه، از تردیدهای حاکم بر روابط بکاهند و به سمت بازسازی روابطی که در اواخر ریاست جمهوری باراک اوباما تضعیف شده بود، حرکت کنند. در این راستا، سفر ترامپ به ریاض و انعقاد توافقات گسترده بین دو کشور، ضمن بی‌توجهی ترامپ به چالش‌های دموکراتیک و حقوق بشری سعودیها، بسترهایی را برای افزایش تعاملات و تحکیم روابط استراتژیک بین ریاض و واشنگتن ایجاد کرد (رستمی، تارا، ۱۳۹۷: ۱۳۷). شیرین هانتر معتقد است: «عربستان ادعای رهبری نه تنها منطقه بلکه جهان اسلام را دارد. همچنین عربستان می‌خواهد از دشمنی ایران و

اسرائیل استفاده کرده و از راه کمک اسرائیل و ایالات متحده، مساله ایران را به باور خودش حل و فصل کند. عربستان سال‌های طولانی است که متحد راهبردی امریکا بوده است و از این رو پشتیبانی همه جانبه دولت ترامپ از این کشور را باید در این بستر تحلیل کرد و آن را نباید موضوع تازه‌ای دید. « (هانتز، ۱۳۹۶). در شرایطی که موضوع قتل خاشقچی فضای رسانه‌های بین‌المللی را گرفته، ولی دولت ترامپ بیش از هر چیز خواستار ارتباطات بیشتر برای مقابله با ایران است. به گزارش شبکه «راشاتودی» رئیس‌جمهور آمریکا، ریاض را «متحد خیلی خوب» واشنگتن خواند و به تمجید از مواضع عربستان سعودی در رابطه با رژیم صهیونیستی پرداخت. دونالد ترامپ در ارتباط با تعاملات آمریکا و متحدانش معتقد است که عربستان سعودی متحد ما برای مهار ایران است و بیان می‌دارد: «عربستان سعودی به واشنگتن در موضوعات مرتبط با رژیم صهیونیستی خیلی کمک کرده است. آنها در رابطه با اسرائیل به ما خیلی کمک کرده‌اند، آنها دارند روی خیلی چیزها سرمایه‌گذاری کرده‌اند». مهم‌تر آنکه، ترامپ به منظور توجیه اقدامات سعودی‌ها در قتل خاشقچی ادعاهایی درباره وضعیت حقوق بشر در ایران مطرح کرد. (شبکه العالم، ۰۲ / ۰۸ / ۱۳۹۷). لذا تاکنون آمریکا فشار مؤثرتر بر عربستان برای توقف حمایت از افراط‌گرایی که امنیت و منافع جهانی ما را تحت تأثیر قرار داده، وارد نیاورده است. چند دلیل وجود دارد. نخست، هیچ رئیس‌جمهوری خواهان ناراحت کردن دولتی که از زندگی آمریکایی محافظت میکند، نیست. دوم، سالخوردگان سعودی که مجاز به همه کاری هستند، آنقدر متحجرند که نمی‌توانند دیگران را برای اتخاذ رویکردی متفاوت تشویق کنند. چنانچه، گروه‌های تروریستی در مناطق جنگی و جهادی یمن رشد کرده و در حال کسب قدرت هستند با هیچ فشاری از سوی هواپیماهای بدون سرنشین آمریکایی مواجه نیستند. در همین حال گرچه [به ظاهر] در سوریه، عربستان از داعش حمایت نمی‌کند، ولی از اینکه می‌بیند گروهی مانند داعش به دنبال ساقط کردن اسد و تبدیل دمشق به پایتخت دوباره اهل سنت است بسیار خوشحال است و پول زیادی از کشورهای [حاشیه] خلیج فارس به سوی جبهه النصره، می‌کند؛ (Benjamin, 10 September, 2015).

۴-۵. «برساختگی» ایران‌هراسی

پس از توافق هسته‌ای، سه موضوع بصورت سلبی اختلافات ماهوی و هویتی ایران و عربستان را دوچندان کرد؛ حادثه منا، اعدام شیخ نمر و آتش زدن سفارت. اعدام شیخ نمر به وضوح سیاست‌های منطقه‌ای را آشفتگی کرد و این احتمال را تقویت کرد که عربستان عمده‌اً اوضاع ناآرام منطقه را تشدید می‌کند. عجیب‌ترین نتیجه‌ای که اعدام

شیخ در برداشت این است که خط قرمز مدیریت مخالفان شیعه در عربستان شکسته شد؛ چرا که در گذشته مخالفان مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفتند و یا زندانی میشدند و به دلیل سیاستهای توسعه و آشتی، آزاد میشدند. (Lynch, 4 January 2016).

سعودی‌ها معتقدند که ایرانی‌ها برای سرنگونی دولتهای عربی منطقه تلاش کرده‌اند و از شیعیان منطقه، چه اقلیت و چه اکثریت حمایت کرده و آنها را تحریک کرده است و در افزایش جنگهای منطقه تأثیر داشته است و این اقدامات در راستای مزاحمت برای عربستان، تضعیف و حتی حذف این کشور صورت گرفته است. (Pollack, 2016).

ترکیب این قدرت و احساس آسیب‌پذیری باعث شده است رهبری جدید و تهاجمی عربستان، سیاست خارجی نامنظمی داشته باشد. بکارگیری سیاست قیمت پایین نفت و یا کسری بودجه بی‌سابقه نیست؛ بلکه در جهت ختشی کردن بزرگترین خطری است که سعودی‌ها را از ابتدای تأسیسش تاکنون تهدید میکند. (Lynch, 4 January 2016).

عربستان می‌خواهد عنصر اصلی باشد نه جزو عنصرهای اصلی. شرایط منطقه و تحولات آن به نحوی است که پس از اتفاقات سوریه و بحران عراق و ناتوانی آل سعود، آنها به دنبال این هستند که خود را به عنوان بازیگر اصلی منطقه تثبیت کنند و نه صرفاً به عنوان یک بازیگر در میان سایر بازیگران. (www.farsnews.com13940223000002). لذا امروز تنها حمله نظامی پیشدستانه می‌تواند از تبدیل شدن ایران به کشوری هسته‌ای جلوگیری کند. (بولتون، ۱۳۹۴: ۶).

۴-۵-۱. آن سوی «برساختگی‌ها» و امکان انزوای ایران

سوزان مالونی (Suzanne Maloney) معتقد است که تشدید دشمنی‌ها بین ایران و عربستان برای ایران بسیار مهم است، زیرا همواره تلاش داشته است که بدون کنار گذاشتن اصول انقلابی، مسیر معتدل‌تری را در پیش بگیرد. خارج از لفاظی‌های دولت ایران، باید گفت که رفتار آنها متناسب با خویشتنداری بوده است. رئیس‌جمهور ایران روحانی از زمانی که به قدرت رسیده است اعلام کرده که دوران وی فصل جدیدی از روابط ایران با کشورهای جهان خواهد بود. دولت وی گمان نمود که به آتش کشیده شدن سفارت باعث به خطر افتادن تلاشهای وی برای دست یافتن به روابط گسترده با جهان می‌شود. به همین دلیل روحانی به سرعت این اقدام علیه سفارت را محکوم کرد و دستور پیگیری سریع این واقعه را صادر نمود و اظهار داشت که ایران تمایل دارد تا تنشها را در منطقه کاهش دهد.. (Maloney13 January, 2016).

در مورد پاسخ ایران به رفتارهای انعطاف ناپذیر سعودی‌ها، باید گفت که نخبگان ایرانی بخاطر مصالح جهان اسلام و حفظ وحدت، کمتر به سیاستهای عجولانه سعودی‌ها واکنش متخاصم داشته‌اند. بعنوان نمونه در فاجعه منا، حسن روحانی، ضمن درخواست تحقیقات مستقل در مورد حادثه، هشدار داد که ایران تاکنون از زبان دیپلماتیک استفاده کرده ولی اگر نیاز باشد از زبان زور هم استفاده خواهد کرد. (Riedel, 4 October, 2015). از طرفی، هر چند اغلب نخبگان عربی به صورت رسمی و حمایت خویش از سعودی‌ها در برابر ایران را ابراز داشته‌اند، ولی در شرایطی که عربستان به دنبال رسیدن به رهبری کشورهای سنی در منطقه است، کشورهای رقیب مانند قطر و ترکیه نیز در تلاش هستند تأثیر خود را با حمایت از شورشیان داشته باشند. همچنین، به نظر نمی‌رسد به غیر از بحرین، بقیه‌ی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس روابط خود را به طور کامل با ایران قطع کنند. (Lynch, 4 January 2016). بنابراین، مقابله با نفوذ ایران در مواردی نظیر عراق نیازمند عملی نظیر ایجاد یک ائتلاف منطقه‌ای که شامل کشورهای عربستان، امارات متحده عربی، مصر و ترکیه می‌باشد و این کشورها به تنهایی قادر به مقابله با ایران نخواهند بود. با توجه به اختلافات عمیق میان مصر و امارات از یکسو و مصر و ترکیه از سوی دیگر، ایجاد چنین ائتلافی سخت خواهد بود. (<http://rawabetcenter.com/archives/13043>). همچنین، در جنگ یمن، همراهان سعودی بالفعل سست بوده در این میان عمان تنها کشوری بود که از ابتدا ورود به این جنگ را نپذیرفت، قطر و کویت نیز تنها حمایت خود را با حملات زمینی اعلام داشتند. بحرین نیز که درگیر اوضاع داخلی خود است و با دریافت حمایت‌های کامل عربستان، اهتمام خود را به اتهام زنی به ایران معطوف داشته، و عملاً خود را وارد این معرکه نکرده است. (Madawi, 2015). الی گرانمایه معتقد است که: «عربستان تلاش میکند تا متحدین خود را برای اتخاذ موضعی سرسختانه علیه ایران بشوراند، ولی در فکر تشکیل یا ائتلاف عربی یا سنی علیه ایران نیست، زیرا عمان که خیال ندارد موضع بیطرفی خود را از دست بدهد. ترکیه هم به روال عادی روابطش با تهران ادامه می‌دهد و امارات نیز بعید است که از کاهش روابط دیپلماتیک فراتر رود. قطر، اردن و کویت هم راه امارات را پیش می‌گیرند. متحد عربستان برای تشکیل ائتلاف علیه ایران صد درصد اروپا هم نیست، زیرا کشورهای اروپایی به دنبال روابطی تازه با ایران پسا برجام هستند.» (Geranmayeh 5 January, 2016).

۵. نتیجه‌گیری

در پژوهش اخیر در راستای تحلیل سیاست‌ها و تعاملات سعودی‌ها و رژیم صهیونیستی در مقابل جمهوری اسلامی ایران (۲۰۱۳-۲۰۱۸) پرداختیم. در راستای پاسخ، با بهره‌گیری از تئوری سازه‌نگاری و با تأکید بر مفاهیم « هویت»، « تهدیدپنداری»، « برساختگی»، « ارزش‌ها» و غیره، این فرضیه مورد بررسی قرار گرفت که، توافق هسته‌ای تعاملات و همکاری‌های سعودی - صهیونیستی را بر علیه جمهوری اسلامی ایران تشدید کرده است.

یافته‌های پژوهش اخیر بیانگر آنست که، نخست، بین انگاره‌های هویتی و ارزشی وهابیت سعودی و صهیونیستی با افراط‌گرایی رابطه دیالکتیکی و دو سویه‌ای وجود دارد. دوم، بیشترین هراس محور سعودی - صهیونیستی ناشی از قدرت رو به افزایش شیعیان منطقه است و آنها با ارتباط دادن منافع حاصل از توافق به کمک‌های ایران به شرکای منطقه‌ای خود، سعی در بر هم خوردن توافق و انزوای ایران دارند.

سوم، براساس مولفه‌های متضاد هویت‌ساز بین ایران و رژیم صهیونیستی و سعودی‌ها، آنها خود را بازنده توافق هسته‌ای دانسته و به شکل طنزآمیزی علاوه بر پیگیری سیاستهای افراطی در خاورمیانه، خواستار حمایت غرب از آنها در مقابل خواسته‌های «افسار گسیخته» ایران هستند. سعودی‌ها در این رویکرد با دولتمردان جدیدش همکاری‌های امنیتی خویش با رژیم صهیونیستی - علیرغم داعیه‌های رهبری جهان اهل تسنن و چشم پوشی تاریخی از جنایات صهیونیستی - را شدت بخشید و به انحاء مختلف سعی نمود تا اتحادها را در مقابل ایران سامان دهد ولی در عمل، دستاوردهای تعاملات و همکاری‌های امنیتی برای ریاض و تل آویو نه تنها تداوم توافق و جایگاه منطقه‌ای ایران را بر هم نبرد بلکه همراهی‌های جهان عرب با آنها نیز، بیش از آنکه منسجم باشد یا بیشتر نمادین بوده و یا با حمایت‌های مالی عربستان شکل گرفت. چهارم آنکه، علیرغم توافق هسته‌ای، برخلاف بسیاری تصورات، هرگز توافق منجر به رابطه‌ای دوستانه بین ایران و ایالات متحده نشد و آنها محور سعودی - صهیونیستی را در برابر تهدیدات برساخته ناشی از قدرت ایران در منطقه همراهی کردند. روی کار آمدن دولت ترامپ و خروج از برجام نشان داد که توافق هسته‌ای نمی‌تواند مبنایی برای گذار از ایران و رها کردن متحدان منطقه‌ای ایالات متحده باشد.

پنجم، هرچند توافق هسته‌ای و در ادامه خروج آمریکا از آن منجر به تشتت نگاه‌ها در بین کنشگران عربی و غیر عربی خاورمیانه شد، اما با توجه به مولفه‌های اساسی نظیر

واکاوی سیاست‌ها و تعاملات «سعودی- صهیونیستی» در قبال... ۱۳۱

افزایش قدرت منطقه‌ای ایران در فضای پسا تحریم و عدم تغییر در مواضع کلی جمهوری اسلامی ایران باید گفت که، احتمال برتری الگوی تقابل بر تعامل بین کنشگران منطقه‌ای نظیر ایران، عربستان و رژیم صهیونیستی حداقل در برهه‌های اخیر ادامه خواهد یافت.

پی‌نوشت

۱. احمدی، حمید (۱۳۸۶) بررسی روابط ایران و عربستان در سده بیستم (دوره پهلوی)، تهران، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.
۲. اخوان کاظمی، بهرام، (۱۳۷۳). مروری بر روابط ایران و عربستان در دهه اخیر، قم، تبلیغات اسلامی؛ و اخوان کاظمی، بهرام، (۱۳۷۳). واگرایی‌ها و هم‌گرایی‌ها در روابط ایران و عربستان، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هفتم، شماره ۲، صص ۱۱۵ - ۱۴۶.
۳. سلیمانی، کریم (۱۳۸۸). بررسی چگونگی انعکاس روابط ایران عربستان سعودی در مطبوعات از منظر اسناد سفارت ایران در جدّه (۱۹۶۸ - ۱۹۷۸). فصلنامه تاریخ ایران، شماره ۵، صص ۷۵ - ۹۹.
۴. عظیمی، رقیه (۱۳۷۵). عربستان سعودی (کتاب سبز). تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۵. آقایی، سید داود و احمدیان، حسن (۱۳۸۹). روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان، چالش‌های بنیادین و امکانات پیش‌رو، فصلنامه سیاست، شماره ۳، صص ۱ - ۱۹.
۶. برزگر، کیهان و قاسمی، مهدی (۱۳۹۲). استراتژی تهدید وجودی اسرائیل و امنیت ملی ایران. فصلنامه روابط خارجی، سال ۵، شماره اول، صص ۱۶۹ - ۱۹۷.
۷. موسوی، سید حسین (۱۳۸۰)، تهدیدهای جدید امنیتی اسرائیل در منطقه خاورمیانه، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: اسرائیل شناسی - امریکا شناسی، شماره ۸، صص ۱ - ۳۸.
۸. امامزاده فرد، پرویز (۱۳۹۰). سیاست‌های اسرائیل و عربستان سعودی در قبال یکدیگر در دهه‌های اخیر، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره ۱۶، صص ۱۶۹ - ۱۸۸.
۹. مدیرکل اردنی فلسطینی تبار مرکز پژوهش‌های زیتونیه
۱۰. در حقیقت تمدن اسلامی در ایران به دوران طلایی رسید. مروری بر نام‌آوران تأثیرگذار بر سیاست، طب، فرهنگ و اجتماع و غیره بیانگر آنست که ایرانیان با بهره‌گیری از تعالیم اسلامی، جان تازه‌ای به حیات اسلامی بخشیدند.

کتاب‌نامه

البدای، ابراهیم؛ مکدسی، سمیر (۱۳۹۶). دموکراسی در جهان عرب، ترجمه رضا التیامی‌نیا و علی باقری دولت‌آبادی، تهران، مخاطب.

بدری عید، محمد، مستقبل العلاقات الخليجية-الإيرانية بعد الاتفاق النووي، مركز الجزيرة للدراسات، الرابط: <http://studies.aljazeera.net/reports/.2015/10/201510410339837824>
بوزان، باری؛ ویور، الی (۱۳۸۸). مناطق و قدرت‌ها: ساختار امنیت بین‌المللی، ترجمه رحمن قهرمانپور، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
بولتون، جان (شهریور ۱۳۹۴). رویارویی با واقعیت در مورد ایران، موسسه امریکن اینتر پرایز، ترجمه پیمان مولاویردی، تهران، اندیشکده راهبردی تبیین.
حسنوند، مظفر (خرداد ۱۳۹۴). روابط ریاض و تل‌آویو در بستر تحولات غرب آسیا، اندیشکده راهبردی تبیین، بازیابی در <http://tabyincenter.ir/index.php/menu-examples/child-items>
الدجانی الداودی، محمد (۲۴ یولیه ۲۰۱۵). «المملكة العربية السعودية تخلط أوراق سياستها الخارجية» معهد واشنطن لسياسة الشرق الأدنى، الرابط: <http://fikraforum.org/?=7292&1ang=ar>
رستمی، فرزاد، تارا، علیرضا (۱۳۹۷). «تحليل روابط عربستان سعودی و اسرائیل در سایه توافق هسته ای ایران»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره هفتم، شماره ۲، صص ۱۱۵-۱۴۲.

سایکل، امین (۱۳۹۷). جهان عرب و ایران؛ منطقه آشوبناک در حال گذار، ترجمه بهمن محمودی‌نیا، علی اصغر محمد علیزاده و عباس جوادیان، تهران، مخاطب.
شبکه العالم (۰۲ / ۰۸ / ۱۳۹۷). ترامپ: عربستان سعودی به ما در موضوعات مرتبط با اسرائیل خیلی کمک می‌کند، بازیابی در: <http://fa.alalam.ir/news/3853171>
شیهان، مایکل (۱۳۸۸). امنیت بین‌الملل، ترجمه سید جلال دهقانی فیروزآبادی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

عبار افرایم - (۱۳۹۴/۰۸/۱۰)، الادعاء بأن "داعش" يشكل تهديداً أكبر لإسرائيل بالمقارنة مع إيران سخيف - مدار المركز الفلسطيني للدراسات الإسرائيلية الرابط: <http://goo.gl/VXrwB7>
محمد صالح (۲۸ / ۰۷ / ۲۰۱۵). محسن هل يخطئ الغرب فى فهم المنطقة العربية؟، الزيتون، <http://www.alzaytouna.net/permalink/92611.html>

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۰). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران، سمت.
وحده الدراسات العراقية، «النفوذ الإيراني في العراق وآلية مواجهته»، مركز الروابط للبحوث و الدراسات الاستراتيجية، الرابط: <http://rawabetcenter.com/archives/13043>
ونت، الکساندر (۱۳۸۶). نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: وزارت امور خارجه.

هانتر، شیرین (۱۳۹۶). عربستان و اسرائیل به دنبال تحریک امریکا برای حمله به ایران هستند، خبرگزاری صدای افغان (آوا). در: <https://www.avapress.com/fa/report/153385>
<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13940223000002>

هانتر، شیرین (زمستان ۱۳۹۴)، «تداوم استراتژی، تغییر تاکتیک»، تهران، همشهری دیپلماتیک، شماره

واکاوی سیاست‌ها و تعاملات «سعودی- صهیونیستی» در قبال... ۱۳۳

- Danin, Robert,(6 Januray 2016). "What Saudi Arabia's Spat With Iran Means for the U.S.", Fortune, at: <http://fortune.com/2016/01.06/saudi-arabia-iran-sheikh-nimr-al-nimr/>
- <http://www.bbc.com/persian/world-44988911>
- <https://www.presstv.com/Detail/2018/10/17/577236/Saudi-Arabia-Israel-Gadi-Eizenkot>
- <http://www.washingtoninstitute.org/ar/policy-analysis/view/the-regional-impact-of-a-post-sanctions-windfall-for-iran>
- Madawi Al-Rasheed (2015). " Saudi war in Yemen impossible to win ", <http://www.al-monitor.com/pulse/original//saudi-arabia-lose-protracted-war-yemen.html>
- Adam Khan, S.(2010)." The realist/constructivist paradigm: U.S. foreign policy towards Pakistan and India", *Institute of Strategic Studies*, Islamabad. No. 8.
- Adler , E (1997). " Seizing the Middle Ground: Constructivism in World Politics ", *European Journal of International Relations*, pp: 31 – 363, at: <http://www.rochelleterman.com/ir/sites/default/files/adler%201997.pdf>
- Al-Rasheed, M. 2002. *A History of Saudi Arabia*. London: Cambridge University Press.
- Al-Saud, F (2003). *Iran, Saudi Arabia and the Gulf Power Politics in Transition 1968–1971*, I.B. TAURIS, New York.
- Blanchard .M, C (2017). " Saudi Arabia: Background and U.S. Relations ", *Congressional Research Service*, CRS ,PP: 1 – 42, at: <https://fas.org/sgp/crs/mideast/RL33533.pdf>
- Gülseven, E . (2010). *Identity security and Turkish foreign policy in the post-cold war preiod: Relations with the EU, Greece and the Middle East*, A thesis submitted for the degree of Doctor of Philosophy, Department of Politics and History, Brunel University.
- Herzog, M (2015). " Contextualizing Israeli Concerns about the Iran Nuclear Deal ", *The Washington Institute for Near East Policy* , No. 26, pp.: 1 – 9, at: https://www.washingtoninstitute.org/uploads/Documents/pubs/PolicyNote26_Herzog.pdf
- Hunter,T,S(2010). *Iran's Foreign Policy in the Post-Soviet Era*,Greenwood, Santa Barbara,California.

- Hwang K.D.(2006)." Teorising politico- security regionalism", *Uneversity of pertoria etd*
- Ibish, H (2017). " In Search of a Trump Administration Middle East Policy ", *The Arab Gulf States Institute in Washington (AGSIW)*, pp: 1 – 14, at: http://www.agsiw.org/wp-content/uploads/2017/05/Ibish_Trump-Middle-East_Online.pdf
- Karimifard, H.(2011)." Constructivism; national identity and foreign policy of the Islamic Republic of Iran", *Scholarly Journal of Business Administration*, Vol. 1(2) pp. 41-47, Available online : <http://www.scholarly-journals.com/SJBA>.
- Keynoush, B (2016). *Saudi Arabia and Iran: Friends or Foes?* Palgrave Macmillan.
- Kilinc, R.(2001)." The Place of Social Identity in Turkey's Foreign Policy Options in the Post-Cold war era in the light of Libral and Construtivist approaches", *Department of International Relations Bilkent University Ankara*
- Pasha .K, A (2016)." Saudi Arabia and the Iranian Nuclear Deal, Contemporary Review of the Middle East", *SAGE Jouranals*, Volume: 3 issue: 4, pp: 387-404, at: <https://doi.org/10.1177/2347798916664613>
- Saad Eddin , I (1998)." Ethnic conflict and state-building in the Arab world ", *Journal Science Social International*, ISSJ 156/1998 Ó UNESCO. Published by Blackwell Publishers, 108 Cowley Road, Oxford OX4 1JF, UK and 350 Main Street, Malden, MA 02148, USA,pp: 22 – 242, at: http://onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1111/1468-2451.00126/epdf?r3_referer=wol&tracking_action=preview_click&show_checkout=1&purchase_referrer=www.google.com&purchase_site_license=LICENSE_DENIED
- Sadeghi, A, M (2008)." Genealogy of Iranian Foreign Policy: Identity Culture and History", *The Iranian Journal of International Affairs*, Vol. XX, No.4: 1-40. 2005
- Schonberg , K (2007)." Ideology and Identity in Constructivist Foreign Policy Analysis ", Presented at the Standing Group on *International Relations European Consortium for Political Research Sixth Pan-European Conference*.
- Ulrichsen. C ,K (2016). " Israel and the Arab Gulf States: Drivers and Directions of Change" , *Center for Middle East Rice University's Baker Institute for Public*

واکاوی سیاست‌ها و تعاملات «سعودی- صهیونیستی» در قبال ... ۱۳۵

- Policy*. pp: 1 – 14, at: https://www.bakerinstitute.org/media/files/research_document/13eaaa71/CME-pub-GCCIIsrael-090716.pdf
- Tidy, J. (2006-7). "The Social Construction of Identity: Israeli Foreign Policy and the 2006 War in Lebanon", *Centre for Governance and International Affairs University of Bristol Working Paper* No. 04-08.
- Mohammad Nia, M (March 2011). "Holistic Constructivist Approach to Iran's Foreign Policy", *International Journal of Business and Social Science*, Vol. 2 No. 4, pp: 27- 294, at: http://ijbssnet.com/journals/Vol._2_No._4;_March_2011/31.pdf.
- Kaye, D. Dassa & Martini, Jeffrey (20 July., 2015). "Peace in the Middle East: America's New Post-Iran Deal Challenge", *Rand Corporation*, available at: <http://www.rand.org/blog/2015/07/peace-in-the-middle-east-americas-new-post-iran-deal.html>
- Nader, Alireza, (15 July 2015). "Iran deal not a panacea, but a pragmatic necessity" *RAND Corporation*, at: < <http://www.rand.org/blog/2015/07/iran-deal-not-a-panacea-but-a-pragmaticnecessity.html>>
- Freilich Chuck (21 July 2015). «Iran Deal Is the Least Bad Option for Israel, Belfer Center», , <http://belfercenter.ksg.harvard.edu/publication>
- Levite, Ariel (Eli) & Feldman Shai (21 July, 2015). "Seven realities that made an Iran deal almost Inevitable" *Carnegie endowment for international peace*,. At< <http://carnegieendowment.org/2015/07/21/seven-realities-that-made-iran-deal-almost-inevitable/idoj>>
- Riedel, Bruce, (1 September, 2015). "The king finally comes to tow", *www.al-monitor.com/pulse/originals/2015/09/saudi-king-salman-washington-visit.html*
- Riedel, Bruce (4 October, 2015). "The Hajj tragedy sparks a firestorm for the Saudi crown prince and new frictions with Iran", <http://www.brookings.edu/blogs/markaz/posts/-saudi-mina-stampede-iran-nayef-prince-terrorism-riedel-2015/10/04>
- McCants, William (18 November 2015). "Post-Paris, how should we think about the relationship between ISIS and Islam?", at: <http://www.brookings.edu/blogs/markaz/posts/2015/11/18-paris-attacks-relationship-between-isis-and-islam-mccants>>

- Javedanfar, Meir(December 2015) " Israel's next worry", Chatham House, at:
<https://www.chathamhouse.org/publication/twt/middle-east-2016-israel-s-next-worry>
- Telhami ,Shibley (9 December 2015). " What Americans really think about Muslims and Islam" , <http://www.brookings.edu/blogs/markaz/posts/2015/12/09-what-americans-think-of-muslims-and-islam-telhami>
- Lynch, Marc,(4 January 2016). "Why Saudi Arabia Escalated the Middle East's Sectarian Conflict", *Carnegie Endowment for International Peace*, <http://carnegieendowment.org/2016/01/04/why-saudi-arabia-escalated-middle-east-s-sectarian-conflict/ioiv>
- Geranmayeh, Ellie,(5 January, 2016). "West needs a balanced approach in Saudi-Iran escalation", European Council on Foreign Relations, at:
http://www.ecfr.eu/article/commentary_west_needs_a_balanced_approach_in_saudi_iran_escalation?utm_source=feedburner&utm_medium=feed&utm_campaign=Feed%3A+ECFR_c15+%62The+European+Council+on+Foreign+Relations%3A+Middle+East+and+North+Africa
- Pollack, Kenneth (8 January 2016) ."Fear and loathing in Saudi Arabia", Brookings, at: <http://www.brookings.edu/blogs/markaz/posts/2016/01.08-fear-and-loathing-saudi-arabia>
- Maloney, Suzanne (13 January, 2016). "Hot and cold: Understanding Iran's response to the spat with Saudi Arabia", at:<http://www.brookings.edu/blogs/markaz/posts/2016/01/13-Iran-response-to-escalation-with-Saudi-Arabia-Maloney>.